

## نوواژه‌ها در زبان فارسی و طبقه‌بندی آن‌ها

مریم رحمانی<sup>۱</sup>، فائزه ارکان<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

<sup>۲</sup> دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه حضرت معصومه، قم، ایران

### چکیده

زبان پدیده‌ای بسیار پیچیده است و مطالعه در مورد آن نمی‌تواند تنها به یک قلمرو خاص محدود گردد این پدیده اجتماعی در تمامی بخش‌های خود دچار تحول و دگرگونی می‌گردد؛ که بیشترین آن در بخش واژگان صورت می‌گیرد با پیشرفت فناوری و انتقال سریع اطلاعات همه روزه واژگان زیادی را از زبان‌های سازنده مفاهیم و فناوری‌های تازه وارد زبان‌های دیگر می‌گردد در صورتی که زبان گیرنده قادر به مقابله نباشد ممکن است به تدریج در بخش‌های دیگر زبان مانند نحو و ... نیز دچار تحول شود؛ بنابراین امروزه در بیشتر کشورهایی که وارد کننده این مفاهیم هستند سعی بر آن است تا با تقویت واژگان زبان گیرنده از هجوم ناگهانی واژگان بیگانه جلوگیری گردد. در کشور ما نیز این مهم بر عهده فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. هرچند که یافتن معادل مناسب برای واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه همه وظیفه فرهنگستان نیست واژه‌هایی که بدین ترتیب ساخته میشوند می‌تواند نو واژه در نظر گرفت و آنها را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد.

**واژه‌های کلیدی:** نوواژه‌ها، زبان فارسی، طبقه‌بندی.

## مقدمه

زبان پدیده ای اجتماعی است که دائماً در حال تحول است. این تحول را می توان در بخشهای مختلف زبان از جمله بخش آوایی، نحوی و واژگانی مشاهده کرد؛ اما از این میان آنچه بیشتر در معرض تغییر و تحول قرار دارد بخش واژگان زبان است. اگر زبان را رفتاری اجتماعی بدانیم طبیعی است که هر جامعه برای حفظ روابط اجتماعی خود لازم است با زبانهای جوامع دیگر و نیز فناوری و دانش آنان تا حد نیاز آشنا گردد و ثمره این آشنایی و ارتباط ورود و گاه هجوم واژگان و به دنبال آن فرهنگ آن جوامع است و هرگاه با این هجوم ناگهانی به نحو صحیح رفتار نشود و زبان مورد نظر به امکانات خود برای انتقال این مفاهیم و علوم متوسل نگردد حاصل آن قرض گیریهای متعدد است که خود می تواند به تدریج به تغییر در سایر بخشهای زبان بیانجامد؛ بنابراین با توجه به پیشرفت و انتقال سریع علم، فناوری و اطلاعات در جوامع کنونی - جهت حفظ زبان آن جامعه و جلوگیری از سابقه فرهنگی بیگانگان - دولتها وارد عمل می گردند و با دخالت آگاهانه در زبان، تغییرات دلخواه خویش و مناسب با امکانات زبان را اعمال می نمایند. به این دخالت و دستکاری آگاهانه برنامه ریزی زبانی می گوئیم که یکی از راه های آن گزینش واژه های نو (واژه گزینی) می باشد. واژه گزینی فرایندی است که طی آن نوواژه ساخته می شود؛ به عبارت دیگر نوواژه محصول این فرایند است.

از جمله سازمانهایی که مسؤل اعمال برنامه ریزی زبانی هستند می توان از فرهنگستانها و موسسات زبانی نام برد. در کشور ما نیز فرهنگستانها و موسسات زبانی نام برد. در کشور ما نیز فرهنگستان زبان و ادب فارسی طی سه دوره تاریخی متفاوت عهده دار این مهم بوده است.

با نگاه به آثار باستان شناسان و پژوهش گرانی که پرداختن به مسائل زبانی را وجهه ی همت خود قرار داده اند. می توان زبان را پدیده ای اجتماعی و درحال تحول دائم تعریف کرد این تحول در بخش های مختلف زبان ها مانند آوایی نحوی و گاه واژگانی روی می دهد.

این تحول میتواند فرایندی نسبتاً کند با منشاء درونی یا بیرونی باشد هر روز بیش از صدها واژه ی گوناگون برای نامیدن اشیاء و تغییرات و مفاهیم جدید در زمینه های مختلف حیات بشری خلق شده و وارد زبانهای جهان می شوند. تراسیک نوواژه را واژه یا عبارتی می داند که به تازگی ابداع شده و وارد واژگان زبان می شود. (تراسک، ۱۹۹۳، ص ۳۵). طباطبایی هم در تعریف نو واژه چنین می گوید هر گاه گروهی از اصل زبانی صورت را که پیش از آن زبان وجود نداشته است بکار ببرند یک واژه ی ن خلق شده است (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۲۵).

فرایند هایی که طی آن نو واژه ها ساخته می شوند واژه گزینی یا اصطلاح سازی می نامند و آن را فعالیتی زبانی می دانند نعمت زاده این فرایند را از این جهت که در کنار دیگر فعالیت های زبانی چون نوشتن و سخن گفتن قرار می دهد. همچنین آن را فعالیتی شناختی در کنار دیگر فعالیت های زبانی شناختی قرار می دهد (نعمت زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۵).

## تعریف مفاهیم کلیدی

## تعریف واژه فرهنگستان

فرهنگستان در هر کشور، سازمان و نهادی است که یا توسط دولت و یا زیر نظر آن اداره می گردد و واژه گزینی و یافتن معادل- های مناسب برای لغات و اصطلاحات بیگانه یکی از وظایف مهم آن است.

### تعریف واژه گزینی

واژه گزینی، رشته‌ای است که با پدیده‌های تازه در زبان‌ها سر و کار دارد و به عقیده کایز (۱۹۹۲، ۱۱) برای افراد زیر دارای مفاهیم متفاوت است.

**(الف) برای زبان شناسان:** واژه گزینی بخشی از واژگان زبان است که از جنبه‌های گوناگون به بررسی کاربردهای زبان می‌پردازد.

**(ب) برای متخصصان موضوعی:** واژه گزینی واکنش رسمی از جانب یک نهاد نسبت به موضوعی خاص و واسطه‌ای ضروری جهت روابط بیانی و تخصصی است.

**(ج) برای کاربران نهایی:** ویژه‌گزینی مجموعه‌ای از واحدهای ارتباطی مفید است که بر اساس معیارهای اقتصادی، دقت و تناسب اتحاد گردیده‌اند.

**(د) برای برنامه ریزان زبان:** واژه‌گزینی بخشی از زبان است که نیاز به مداخله دارد تا کاربرد و ایفای آن تحکیم گردد و با پیشرفت و توسعه علوم و تداوم آن زبان بعنوان ابزاری برای بیان مفاهیم تازه تضمین گردد.

### مفاهیم بنیادی در ساخت واژه

**واژه:** واحدی انتزاعی است که صورتهای گوناگون دارد و در واقع مفهومی است که گویشوران در ذهنشان دارند. برای مثال در زبان فارسی «رو» یک واژه است که صورتهای متفاوتی از جمله رفتن، رفتنی، رویش و ... دارد.

**تکواژ:** تکواژ کوچکترین واحد معنی دار است که از نظر دستوری دیگر قابل تجزیه نباشد. برای مثال از تجزیه جمله «من با او به بازار رفتم»، هفت تکواژ به دست می‌آید. (من - با - او به - بازار - رفت - ام). تکواژ می‌تواند از یک واج مانند «ی» در «آدمی» تشکیل شده باشد که در آن صورت به آن تکواژ وابسته می‌گوییم و یا از یک واژه مانند «آدم» ساخته شده باشد که آن را تکواژ آزاد می‌نامیم.

**وندها:** وند تکواژ وابسته‌ای است که ب تنهایی معنایی ندارد و با توجه به جایگاه آن نسبت به ستاک یا ریشه به سه دسته تقسیم می‌شود:

**(الف) پیشوند:** وندهایی که به ابتدای ریشه یا ستاک واژه وصل می‌گردند، پیشوند هستند.

**(ب) میانوند:** وندهایی اند که درون ریشه یا ستاک جای می‌گیرند ب اعتقاد دستورنویسان در زبان فارسی میانوند وجود ندارد.

**(ج) پسوند:** وندهایی اند که بدنیاال ریشه یا ستاک می‌آیند مانند "اک" در "پوشاک"

با توجه به تعاریف بالا لازم است تعریف مختصری نیز از ستاک و ریشه ارائه گردد:

ستاک بخشی از واژه است که به آن وند تصریفی می‌تواند متصل گردد؛ مانند "ها" در "مردها" که "ها" در آن یک وند تصریفی محسوب می‌شود یعنی وندی است که با همه اعضای یک مقوله از کلمات می‌تواند بکار رود و کمتر استثنا می‌پذیرد.

ریشه نیز بخش اصلی یک واژه است که قابل تجزیه به عناصر کوچکتر نیست و می‌تواند یک تکواژ آزاد باشد مانند "مرد" و یا تکواژ وابسته باشد مانند "رو" در "می‌روم".

## انواع واژه

در زبان فارسی چهار نوع واژه قابل تشخیص است که عبارتند از واژه بسیط، مرکب، مشتق و مشتق-مرکب.

واژه بسیط واژه‌ای است که قابل تجزیه به تکواژهای دیگر نیست مانند: کتاب، مداد، دفتر و ...

واژه مرکب شامل دو یا چند تکواژ آزاد است مانند: کتابخانه.

واژه مشتق واژه‌ای است که در ساخت آن یک تکواژ آزاد و حداقل یک تکواژ وابسته (یا و شد) بکار رفته باشد؛ مانند: چرخه.

واژه مشتق-مرکب نیز واژه‌ای است که در ساخت آن فرآیند های ترکیب و اشتقاق هر دو بکار رفته باشد مانند: باندپیچی.

در اینجا لازم است که به مفهوم اشتقاق صفر نیز اشاره شود. اشتقاق صفر وقتی روی می‌دهد که یک واژه بدون افزوده شدن هیچگونه وندی به آن تغییر مقوله دهد یعنی مثلاً از فعل به اسم تبدیل شود مانند "نما" که می‌تواند بصورت اسم بکار رود.

## فرآیند های واژه‌سازی

فرآیندهای واژه‌سازی را می‌توانیم به این ترتیب مطرح کنیم:

۱- ترکیب: در این فرآیند که در زبان فارسی بسیار فعال است، حداقل دو تکواژ آزاد به هم می‌پیوندند و واژه جدید می‌سازند. واژه حاصل در واقع یک واژه مستقل بحساب می‌آید. بعنوان مثال فعل مرکب، صفت مرکب یا قید مرکب را واژه‌ای می‌دانیم که معنای آن با معنای اجزای تشکیل دهنده‌اش متفاوت است؛ مانند روز آمد.

۲- اشتقاق: در این فرآیند وندهای اشتقاقی به واژه افزوده می‌گردند و در معنا با بقش دستوری واژه و گاه نیر در هر دو تغییر ایجاد می‌نمایند؛ مانند: آرایه.

۳- ترکیب و اشتقاق: از هر دو فرآیند ترکیب و اشتقاق در ساخت واژه استفاده می‌گردد؛ مانند: چهره‌پردازی.

۴- قرض‌گیری: در این فرآیند واژه بیگانه مستقیماً در زبان قرض گیرنده مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ مانند تلفن.

۵- آمیزش: یک بخشی از واژه یا قسمی از واژه دیگر ترکیب می‌شود مانند: نماهنگ (نما+آهنگ)

۶- کوتاه‌سازی: شامل اختصارات، غازه و سر واژه‌ها

۷- پسین‌سازی: واژه‌ای به هر صوری ساخته می‌شود و بواسطه شباهت بخشی از آن واژه‌ها یا وندهای زبان قرض‌گیرنده آن قسمت حذف می‌شود تا واژه‌ای ساخته شود؛ مانند: خودکفا که از خودکفایی ساخته شده است.

۸- ابداع: به معنای ساخت واژه یا اصطلاحی کاملاً تازه است که در آن هیچیک از واژه‌های زبان‌های بیگانه و حتی تکواژها و واژه‌های موجود در آن زبان، بکار نرفته باشد.

## اهمیت واژه‌گزینی از دیدگاه‌های مختلف

همانطور که گفتم واژه‌گزینی رشته‌ای است که با پدیده‌های تازه در زبان‌ها مواجه است. معمولاً در دو حالت نیاز به مداخله از جانب یک سازمان یا نهاد دولتی یا وابسته به دولت وجود دارد. اول هنگامی که به یک مفهوم، دو یا چند نام اطلاق می‌گردد؛ و

این امر تأثیری منفی بر ارتباط می‌گذارد. دوم هنگامی که یک زبان خاص واژه لازم برای بیان یک مفهوم را دارا نیست در مورد اول به عقیده کابره (۱۹۹۲) جهت برقراری ارتباط سحیح باید نام‌های مختلف را تقلیل داد بطوریکه تنها یک نام باقی بماند و در مورد دوم برای بیان مفهوم تازه باید نامی تازه خلق شود.

باطنی (۱۳۷۱: ۴۵) در بحث واژه‌گزینی به دنبال این است که در باید آیا زبان موجود در جامعه جوابگوی نیازهای امروزی این جامعه است یا خیر؟ و آیا در آن کاستیهای یافت می‌شود؟ اگر یافت می‌شود چگونه می‌توان آنها را برطرف کرد.

حق‌شناس (۱۳۷۰: ۲۳۹) واژه‌گزینی را بلوایی می‌داند که به دنبال هجوم مفاهیم تو به یک جامعه برای مثال جامعه فارسی زبان برپا می‌گردد؛ زیرا با دریافت اینکه این مفاهیم تو اسباب پیشرفت و تعالی خواهند شد و در آنجائیکه هیچ مفهوم تویی را نمی‌توان بی واژه‌ای که به آن دلالات داشته باشد در ذهن نگهداشت و در زندگی بکار بست. در لحظه فزونی مفاهیم گرفتار کمبود کلمه می‌شویم بعارت دیگر هرگاه جامعه به واردات خو کرده باشد و از سادگی حتی در زمینه واژه هراس داشته باشد. چنین هنگامه‌ای در می‌گیرد که در همین دو نکته ریشه دارد: نیاز به واژه‌های تازه برای مفاهیم تو و هراس از ساختن آنها.

حداد عادل (۱۳۷۲: ۲۰۳۰۴) معتقد است که هر گاه جامعه‌ای دارای رونق علمی باشد یا محقق داشته باشد و محققانش در آزمایشگاه‌ها تحقیق علمی نمایند و قدم به قدم از طریق فرآیند منطقی یا علمی به کشف علمی نائل شوند؛ و در یک کلام، خودشان به علم برسند. همزمان و به موازات این طی طریق علمی به زبان علمی هم دست می‌یابد؛ بنابراین از دیدگاه و واژه-گزینی هنگامی جائز است که مفهوم در عمق جان گوبشور زبان درک گردد و مقدم بر لفظ انس درونی یا مفهوم داشته باشد و آنگاه برای پیدا کردن یک لفظ و یک اصطلاح دستی دراز شود.

اعضای بدن انسان و شکل حیوانات در ساخت بسیاری از عبارات استعاری کاربرد دارد. در برخی موارد نیز استعاره کامل است و به تنهایی بکار می‌رود در اصطلاحاتی مانند لجکی و لرزایک نمی‌توانیم میان صورت موجود در زمان عام و ارجاع خاصی که در رشته‌های حمل و نقل عمومی و تغذیه به آن اصطلاح داده می‌شود تمایز قائل شویم.

یک نامگذاری خاص در یک حوزه می‌تواند در حوزه دیگر برای مفهوم دیگر مورد استفاده مجدد قرار گیرد مانند پرده در زبان سینما و در زبان عام (سیگر ۱۹۹۰: ۷۱-۷۲)

### راه‌های تشخیص یک نوواژه

چند راهکار ممکن برای تعیین این که یک واحد نوواژه‌ای را می‌سازد یا خیر وجود دارد:

الف) در زمانی: یک واحد در صورتی نوواژه است که به تازگی پیدا شده باشد؛ مانند دورنگار.

ب) فرهنگ نگاری: یک واحد در صورتی نوواژه است که در فرهنگ‌های لغات موجود نباشد در اینجا اشاره به این نکته لازم است که هر چند مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی در کتابی جمع‌آوری شده به نام "فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان" این واژه‌ها فقط جنبه پیشنهادی دارند و در فرهنگ‌های معتبر مانند "فرهنگ سخن" یافت نمی‌شوند؛ بنابراین می‌تواند آنها را نوواژه محسوب کرد.

ج) بی ثباتی نظام‌مند: یک واحد در صورتی نوواژه است که دارای نشانه‌های بی ثباتی صوری (مانند نشانه‌های ساختی، نگاشتاری، آوایی) با بی ثباتی معنایی باشد.

د) روانشناسی: یک واحد در صورتی نوواژه است که گویشور آنرا بعنوان واحدی تازه درک کند.

مانند واژه "تندپز" که به عنوان معادلی "ماکروویو" گزیده شده است.

این معیارهای که متقابلاً جامع نیستند، نتایج یکسانی بدست نمی‌دهند و در بافت‌های یکسان بکنار نمی‌روند واژه‌گزینان ظاهراً مختصه فرهنگ نگاری را بعنوان نظام‌مندترین مختصه جهت تعیین نوواژه بودن با نبودن یک واحد واژگانی تایید می‌نمایند.

### احیای یک زبان ملی

تلاش برای ایجاد یک زبان ملی سابقه ای طولانی دارد قدیمیترین دستگانهایی که رسماً برای این منظور به وجود آمده آکادمی فرانسه است؛ که در سال ۱۳۳۵ رسماً تاسیس شد تا زیر نظر دولت در راه گسترش یکپارچگی و پالایش زبان فارسی بکوشد. وظیفه آکادمی فرانسه این بود که زبان فرانسه را استاندارد کند و برای آن فرهنگ لغت، دستور زبان و قواعد املای یکنواخت بنویسد. تلاش برای یک زبان ملی قرن حاضر نیز نمونه‌های فراوانی دارد که می‌توان احیای زبان عبری به عنوان زبان رسمی اسرائیل را نام برد. آنچه امروز اندوزیایی نامیده می‌شود و زبان رسمی کشور اندونوزی شمرده می‌شود صورت پرورش یافته و و طراحی شده یکی از لهجه‌های زبان مالیایی است که از دیرباز در این نواحی نقش میانجی داشته است (باطنی، ۱۳۷۵، صص، ۶۷-۶۸).

### نوسازی زبان

گسترش واژگان زبان یکی از مسایل مهمی است که برنامه ریزان ناچار به توجه به آن بوده اند اگر قرار باشد زبانی به صورت زبان طی در همه سطوح وسیله آموزش و پرورش قرار بگیرد ناچار است برای مفاهیم علمی و فنی جدید واژه داشته باشد و یا از واژه‌های خارجی انباشته می‌شود و بدین ترتیب هویت خود را از دست می‌دهد و یا اینکه مردم آن را زبانی ناتوان می‌انگارند و عملاً آن را کنار می‌گذارند. (باطنی، ۱۳۷۵، صص، ۶۷-۶۸).

### نکاتی در باب اصطلاح شناسی

واژه‌ها (terminology) که معادل فارسی آن اصطلاح شناسی است بر سه مفهوم اطلاق می‌شود. (۱) علم اصطلاح شناسی: حوزه ی میان رشته ای و فرا رشته ای علم که با مفاهیم و باز نمود های آن سرو کار دارد (۲): مجموعه ای از اصطلاحات که نمایانگر نظامی از مفاهیم یک حوزه منفرد موضوعی است (واژگان) (۳): اثری منتشر شده که در آن نظام مفاهیم یک حوزه موضوعی به وسیله اصطلاحات ارائه شده است. (واژه نامه).

علم اصطلاح شناسی در مکتب های اصطلاح شناسی پراگ، شوروی، وین و بررسی های ویژه علمی اصطلاح شناسی در بسیاری از کشور ها شکل گرفته است. (ملبر، ۱۳۸۱، ص ۵).

### ادامه اهمیت اصطلاحات:

توسعه ی اصطلاح شناسی به عنوان یک علم کاربرد اصول اصطلاح شناسی و هماهنگی بین المللی در کار اصطلاح شناسی می‌تواند به پرهیز از اختلال احتمالی در برقراری ارتباط موضوعی کمک کند. تعداد عناصر واژگانی چند هزاری بیش نیست ولی تعداد مفاهیم به میلیون ها می‌رسد این رابطه ناخواسته می‌تواند به وضعیتی منجر شود که در آن ارتباط انسان - انسان، انسان - ماشین، ماشین - ماشین به تدریج به نقطه ی سکون برسد (ملبر، ۱۳۸۱، ص ۵).

## الگوهای اصطلاح سازی

سه رویکرد متفاوت برای ساخت نام های جدید وجود دارند که به قرار زیرند. ۱- استفاده از منابع موجود ۲- جرح و تعدیل منابع موجود ۳- خلق واحد های زبانی جدید (نو واژه ها).

### الف) استفاده از منابع موجود

در این رویکرد معنای یک اصطلاح موجود گسترش می یابد و معنای یک مفهوم تازه را در بر می گیرد. رایج ترین شیوه نام گذاری تازه کاربرد تشبیه است؛ به عبارت دیگر نام گذاری یک مفهوم در قیاس با مفهوم شناخته شده دیگر که گاه ممکن است ثابت شود و شباهت اولیه بی ربط یا حتی گمراه کننده بوده است.

### ب) جرح و تعدیل منابع موجود

رایج ترین شیوه جهت نامگذاری مفاهیم تازه، جرح و تعدیل نام های موجود به یکی از روش های زیر است:

۱- اشتقاق یا وند افزایی که به معنای افزایش وند است.

۲- ترکیب که به معنای ترکیب واژه های موجود و ساخت واژه های تازه است.

۳- تبدیل که نه وندافزایی و نه ترکیب است بلکه از یک صورت زبانی با هم نشینی متفاوت استفاده می گردد. برای مثال کاربرد اسم بعنوان فعل یا کاربرد صفت بعنوان اسم.

۴- کوتاهش که هر نوع کوتاه سازی یک عبارت بوسیله فرآیندهای اختصار، بریدن و سرواژه سازی و ... است.

### ج) خلق واحدهای زبانی جدید (نوواژه ها)

در علوم و فناوری، نوواژه ها به علت نیاز به نامگذاری انحصاری برای مفاهیم تازه ساخته می شوند. نوواژه ها به لحاظ صورت بر دو نوعند: یا ساخته هایی کاملاً تازه اند و یا صورت های اند که از سایر زبان های قرض گرفته شده اند. در زبان انگلیسی بیشتر از واژه های قرضی که به طرف مختلف از زبان های یونانی و لاتین وارد انگلیسی شده اند استفاده می گردد.

واژه های قرضی فرانسوی نیز در انگلیسی فراوانند اما بدلیل آنکه سنت قرض گیری از هر سه زبان در انگلیسی بسیار دیرپاست. گاه نمی توان با سادگی به این امر که یک واژه مستقیماً از کدام زبان وارد شده است پی برد. از آنجایی که واژه ها و عناصر زبانی لاتین، یونانی و حتی فرانسه با شدت یا انگلیسی در آمیخته اند به راحتی نمی توان نوواژه های حقیقی را از صورت های تعدیل شده و تغییر یافته عناصر موجود در این زبان متمایز نمود.

### گونه های نوواژه

۱- نوپذیرفته: کاملاً تازه، پیشنهادی یا مورد استفاده خرده فرهنگی کم جمعیت.

۲- پذیرفتنی: دارای حضوری معنادار و اما هنوز پذیرش عموم را بدست نیاورده است مانند تلفن همراه

۳- پذیرفته: دارای پذیرش چشمگیر و احتمالاً با دوام. نمانند: کاف دادن، سه کردن

## انواع واژه ها

### طبقه بندی ویکی پدیا

- ۱- علمی: واژه ها و گروههایی هستند که برای توصیف اکتشافات علمی تازه به وجود آمده اند.
- ۲- فنی: واژه ها یا گروههایی که برای توصیف اختراعات خلق شده اند.
- ۳- سیاسی: واژه ها یا گروههایی که برای توصیف تاثیر سیاسی یا ابلاغی و گاه با توجه به فرضیه ها پیرو عرف ساخته شده اند.
- ۴- فرهنگ عمومی: واژه ها یا گروههایی که از محتوای رسانه های عمومی شکل گرفته اند یا برای توصیف پدیده های فرهنگ عمومی بکار میروند.
- ۵- وارداتی: واژه ها یا گروههایی که از زبان های دیگر نشات گرفته اند و عموماً برای بیان عقیده ای بکار میروند که هیچ معادلی در زبان بومی نداشته است.
- ۶- علائم تجاری: اغلب بصورت نوواژه هستند و این امر برای اطمینان از آن است که از نامهای تجاری دیگر متمایزند.
- ۷- واژه های خود ساخته: واژه هایی که فقط برای موقعیتی ویژه و معمولاً جهت تاثیر ادبی خاصی ساخته و بکار رفته اند.
- ۸- روانشناختی: واژه های بی معنایی که به وسیله بیماران شنیزو فرنیخ ناخواسته ساخته شده اند.

### طبقه بندی کاربره

#### طبقه بندی نوواژه ها به لحاظ ساختاری

- از دیدگاه ساختی می توان چهار نوع اصلی نوواژه را از هم تشخیص داد؛ که شامل ۱- مشتق ها ۲- مرکب ها ۳- گروهها ۴- نوواژه های کوتاه می شوند.
- ۱- مشتق ها: از این فرایند در زبان فارسی در مقیاسی گسترده استفاده می شود و منظور از اشتقاق افزودن پسوند ها و پیشوند ها به کلمات دیگر است
  - ۲- مرکب ها: در زبان فارسی تقریباً اجزای کلام اصلی از قبیل اسم، فعل، صفت و قید از طریق فرایند ترکیب ساخته می شوند و کلمه ی مرکب بوجود می آید. کلمه مرکب مفهوم تازه ای را که با تک تک اجزای ترکیب متفاوت است القا می کند.
  - ۳- گروهها: گروه به آن واحد زبان فارسی گفته می شود که از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده است و خود در ساختمان واحد بالاتر یعنی بند بکار می روند. گروه های فارسی به سه طبقه تقسیم می شوند. طبقه گروه فعلی، طبقه گروه اسمی و طبقه گروه قیدی (باطنی، ۱۳۴۸، ص ۱۱۰). غلامی زاده (۱۳۷۴) علاوه بر سه گروه مذکور به گروه، حرف اضافه نیز قائل می شود.
  - ۴- نوواژه های کوتاه: در گفتارها و نوشتار های فنی با انواع گوناگون اختصارات رو برو هستیم و تقریباً امروزه در تمام زمینه ها علمی از آنها استفاده می کنیم. اختصارات در انتقال اطلاعات به شکلی کوتاه یکی از وسایل مهم زبان شده است. با توجه به فزونی کاربرد اختصارات در سرتاسر دنیا شناخت صورت کامل همه آنها مشکل شده است. مسلماً این آشتفگی موجب



سردرگمی های زیادی شده است؛ که باید در رفع آن تحقیقات گسترده ای درباره اصول و قواعد واژه شناختی حاکم بر اختصار سازی صورت پذیرد (ندوبیتی، ۱۳۷۸).

### نتیجه گیری

زبان پدیده پیچیده ای است که در طول زمان در حال تغییر است و واژگان زبان بیش از سایر ساختار زبانی در معرض این تغییر هستند. واژه های زیادی از زبان های دیگر وام گرفته می شود که اگر با این مساله مقابله نشود زبان متحول خواهد شد. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنا نیست. فرهنگستان ادب یکی از سازمان هایی است که عهده دار واژه های سازی است؛ که البته تلاش هایی را در حوزه ساختن واژه های جدید کرده است.

در زبان فارسی نیز برای این که از این تحول پیشگیری کنیم راههایی وجود دارد. یکی از این راه ها واژه سازی است و در زبان فارسی هشت روش برای ساختن واژه های جدید وجود دارد. ترکیب، اشتقاق، ترکیب و اشتقاق، قرض گیری، آمیزش، مختصر کردن و پسین نویسی از جمله این روش ها هستند.

برای شناخت نو واژه ها در زبان فارسی روش هایی وجود دارد که به ترتیب زیر است. یکی از این ویژگی ها جدید بودن از نظر زمانی است و دیگری فرهنگ نگاری است و دیگری بی ثباتی نظام مند بودن می باشد و روانشناسی است؛ که نظام مندترین این روشها فرهنگ نگاری است.

ساخت اصطلاحات نیز یکی از روش های مقابله ورود بی رویه واژگان خارجی است. سه روش برای ساخت اصطلاحات وجود دارد. یکی از این روش ها استفاده از منابع موجود است یعنی یک اصطلاح معنای جدیدی غیر از معنای اول می یابد و روش دیگر جرح و تعدیل منابع موجود است و روش سوم خلق واحد های زبانی جدید یا نوواژه ها هستند که این نوواژه ها خود به دو نوع تقسیم می شوند. یکی از نوع ها کاملاً تازه هستند و دیگری از زبان های دیگر وام گرفته شده است.

این نو واژه ها گونه های مختلفی دارند؛ که به گونه های نو پذیرفته و پذیرفتنی و پذیرفته تقسیم می شوند.

و همچنین این نو واژه ها به لحاظ ساختاری تقسیم بندی شدند:

- ۱- مشتق ها که شامل افزودن پسوند و پیشوند است.
- ۲- مرکب ها که از ترکیب اسم، فعل، صفت و قید به وجود می آید.
- ۳- گروهها که از یک یا چند کلمه ساخته می شود.
- ۴- نو واژه های کوتاه که همان اختصارات هستند که در زمینه های علمی و ... وجود دارند.

### منابع

۱. ارومیه، اعظم (۱۳۸۴). بررسی ساختمان واژگانی نو واژه ها در زبان فارسی و طبقه بندی آنها. دانشگاه آزاد تهران مرکز.
۲. باطنی، محمد رضا (۱۳۷۲). استفاده از اشتقاق در واژه سازی در زبان فارسی و زبان علم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳. طباطبایی، علاالدین (۱۳۷۶). فعل بسیط فارسی و واژه سازی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴. غلامعلی زاده، خسرو (۱۳۷۴). ساختار زبان فارسی. تهران: احیاء کتاب.
۵. ندوبیتی، ولفگانگ (۱۳۷۸). اختصارات و نشانه ای ترجمه: مهر آذر فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۶. نعمت زاده، شهین (۱۳۷۸). استدلال در واژه گزینی. مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی مسائل واژه گزینی و اصطلاح شناسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

## Neologisms in Persian language and their classification

Maryam Rahmani<sup>1</sup>, Faezeh Arkan<sup>2</sup>

1. Faculty of Literature and Humanities, Qom Azad University, Qom, Iran

2. Faculty of Literature and Humanities, Department of Linguistics, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran

---

### Abstract

Language is a very complex phenomenon, and the study of it cannot be restricted to a particular domain. This social phenomenon undergoes transformation in all its parts. Most of which are in the vocabulary section with the advancement of technology and the rapid transfer of information every day, many words come from the languages that make up the concepts and technologies of new languages in other languages. If the recipient language is not able to cope, it may gradually change in other parts of the language, such as syntax and the like. So today, in most countries that import these concepts, it tries to strengthen the vocabulary of the recipient language from the invasion Avoid sudden foreign vocabulary. In our country, this is also important for the Academy of Persian Language and Literature. Although it is not the duty of the Academy to find the right equivalent for foreign terms and terms, the words that are thus made can be considered and examined from different aspects.

**Keywords:** Neologisms, Persian language, classification

---